

# درباره نئولیبرالیسم اقتصادی

نوشته پروفیسور مانفرد اشترایت  
ترجمه دکتر سید هادی صمدی\*

Ordo (۲۰۰۶) این موضوع را با اختصار و فشردگی هر چه تمام تر مورد بررسی قرار داده و فشردگی برجسته ترین نکات مربوط به نئولیبرالیسم اقتصادی را به رشته تحریر در آورده است. ترجمه این نوشتار در زیر به نظر علاقمندان می رسد. برای رعایت بیطرفی و پایبندی به حقیقت، باید این نکته را افزود که پروفیسور اشترایت شاگرد هربرت گیرش H. Giersch و ناشر بیشتر آثار آلمانی فردریک فون هایک برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد است و چنان که می دانیم هایک حتی از نظام اقتصاد اجتماعی بازار آلمان Soziale- Market Wirtschaft (سوسیاله مارکت ویرشافت) انتقاد می کرد و معتقد بود که در پس صفت اجتماعی (sozial) گرایشهای سوسیالیستی نهفته است در حالی که بنیانگذاران و معماران این نظام یعنی ارهارد، مولر آرماک، رویکه (Röpke)، روستو (Rüstow)، بوهم (Böhm) و والتر اویکن (W. Eucken) تأکید داشتند که نظام اقتصاد اجتماعی آلمان راه سومی در برابر سوسیالیسم مارکسیستی و لیبرالیسم کلاسیک است و این درست بر خلاف ادعای برخی از اندیشمندان معاصر ماست که گیدنز انگلیسی را پایه گذار و مبلغ این ایده معرفی می کنند. اشترایت مقاله خود را با این پرسش آغاز

## پیشگفتار مترجم

چندی است که در مطبوعات ایران و در میان پژوهشگران از نئولیبرالیسم سخن به میان می آید و بویژه روشنفکران چپ گرا آنرا مورد انتقاد قرار می دهند. بی اینکه حدود مفهومی و تعریف دقیق آنرا بیان کنند. حتی برخی از آنان که داعیه بیشتری دارند فون نریس، هایک و فریدمن را برجسته ترین چهره های نئولیبرال اقتصادی سده بیستم معرفی می کنند که البته در نوشته هایشان گرایشهای ارزشدآوری و ایدئولوژیک نیز آشکارا به چشم می خورد؛ بویژه هنگامی که از اوضاع نابسامان اقتصادی آمریکای لاتین سخن به میان می آید، همه تقصیرها را به گردن نئولیبرالها و سیاستهای نئولیبرالیستی و بر سر هم مکتب نئولیبرالیسم می اندازند. نگارنده با هدف حقیقت یابی و برای اینکه موضوع روشن تر شود، کوشش کرده است بی آنکه مدعی باشد حرف آخر زده می شود. این مطلب تنها برای آگاهی رسانی علمی نگاشته شده است، با این امید که صاحب نظران هر گونه کژی و کاستی در آنرا یادآوری کنند. پروفیسور مانفرد اشترایت M. Streit عضو مؤسسه معتبر ماکس پلانک آلمان و استاد بازنشسته اقتصاد دانشگاه ماهایم در شماره ۵۷ سالنامه اقتصادی

\* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

نظام را به خطر می اندازد و این نکته سرانجام در بند ۶ مورد بررسی قرار می گیرد و در آن اشاره می شود که دستاوردهای اجتماعی به خطر افتاده بیشتر به سیاستهای اقتصادی و اجتماعی تهاجمی گذشته مربوط است که برای يك دهه شیوه جلب ارباب رجوع اقتصادی - سیاسی (یا پوپولیسم م. م.) را با ابزارهای ضد بازار دنبال کرده است؛ شیوه ای که خود بر کمبودهای ساختاری گونه مسلط قبلی دموکراسی دلالت دارد. در بندهای ۷ و ۸ ملاحظات پایانی مطرح می شود و یکی از پدران نئولیبرالیسم آلمان یعنی اوپکن به سخن در می آید.

## بند ۲: سوءاستفاده مناقشه برانگیز

در جریان گفتگوها پیرامون اصلاحات سیاست اقتصادی و اجتماعی، توصیه کنندگان در مقابل، اصلاحات جهت گرفته بر بازار را گمراه کننده و ارزش باخته و با برچسب نئولیبرال ارائه می دهند اما آنچه از درون این پیشنهادها اصلاحی فهمیده می شود در اصل مبهم و بی پاسخ است.<sup>۱</sup> همچنین اشارات سر بسته به لیبرالیسم و انواع آن بمنزله سیستم های اندیشه ای، ناروشن و مبهم است که از آن صفت لیبرال و نئولیبرال مشتق می شود.<sup>۲</sup> به دیگر سخن، منظور آنان روشن نیست در حالی که لیبرالیسم به نظامی که در فرهنگ اروپایی و برداشتهای اجتماعی آن ریشه دوانده اطلاق می شود که به گونه هنجاری (نورماتیو) در آن آزادی و احساس مسئولیت فردی شهروندان مورد تأکید قرار می گیرد.<sup>۳</sup> خاستگاه این اندیشه ها در آتن و اندیشه های کلاسیک آن و سپس به اقتباس از آنها در امپراتوری روم بویژه نزد سیزرون (چیچرون) قابل جستجو و بررسی است. در آلمان، آرمان آزادی با نام ایمانوئل کانت و ویلهلم هومبولت و فردریش شیلر گره خورده است. لیبرالیسم کلاسیک کشورهای انگلوساکسون به فیلسوف اخلاق اسکاتلندی آدام فرگوسن و هموطن او آدام اسمیت و نیز به دیوید هیوم و جان استوارت میل برمی گردد.<sup>۴</sup> آنان نظام تئوریک لیبرالیسم را در اقتصاد جای و ساخت دادند و گونه ای استدلال مبتنی بر حقوق طبیعی برای برداشتهای آزادیخواهانه خود داشتند که اصل روشن و مسلم postulat هیوم (۱۷۳۰) از آن جمله است و تأمین و تضمین حق مالکیت، حق انتقال آن به غیر از راه توافق و گذاشتن قول و قرارهای خود، با این

می کند که آیا نئولیبرالیسم يك نظام فکری پرشش برانگیز است؟ او پاسخ خود را در ۹ بند زیر ارائه می کند:

- ۱- چشم انداز کلی قضیه ۲- سوءاستفاده مناقشه برانگیز
- ۳- نظام مبادله فهمیده نشده ۴- يك تحقیر و توهین به گونه لسه فر ۵- امتیاز بیان نشده و سکوت: اولویت برای دخالت دولت ۶- تهدید گمراه کننده: جهانی سازی ۷- گذشته تهاجم آمیز جلب ارباب رجوع و مشتری گیری مخالف اقتصاد بازار ۸- ملاحظات پایانی ۹- منابع و مآخذ پاسخ پرشش بالا، از دید اشتراکیت بی گمان منفی است بدین صورت:

آنچه در مباحث و گفتمانها در زمینه اصلاحات سیاست اقتصادی و اجتماعی آلمان (اروپا) بیشتر به ذهن می آید و در مورد واژه نئولیبرال مصداق می یابد، چیزی نیست جز يك اشتباه مناقشه برانگیز که نیازمند توضیح است. از این لحاظ و در تلاش برای روشن ساختن این نکته باید گفت که از نظر متدولوژی و نقد ایدئولوژی موضوع عبارت است از کشف و تحلیل يك داوری پوشیده و پنهان (ر. ک به اشتراکیت، ۲۰۰۴) که با چگونگی کاربرد آن در چنین مواردی مربوط می شود. بررسی این داوری در مطالب زیر به صورت بندهای جداگانه انجام می گیرد: نخست در بند ۱ مناقشه مزبور در متن اصلی آن پیگیری می شود؛ سپس در بند ۲ بیان می شود که حکم و داوری «نئولیبرال» دریافتی ناکافی از نظام اقتصاد بازار و فرآیندهای اقتصادی تکامل دهنده و بنیادی آن است و این موضوع بر اصول هنجاری نهادینه شده ای استوار است که بوسیله آنها مسلك لیبرالیسم ساخت گرفته است. در گام بعدی یعنی در بند ۳ وضع يك اقتصاددان لیبرال با دلایل مخالفانش در نظر گرفته می شود که نظام مورد بحث را به گونه يك لسه فر نامحدود تلقی می کند و چنان که می دانیم لسه فر Laissez - Faire صورت کلی نظام اقتصادی لیبرالیسم کلاسیک است. سپس در بند ۴ اولویت و امتیازی کشف می شود که در پس ایراد به لسه فر پنهان شده است. به دنبال آن بند ۵ می آید که در آن تهدیدی که از فرآیند جهانی شدن متوجه لیبرالیسم کلاسیک می شود مورد تحلیل قرار می گیرد، از آن رو که شناخت این تهدید مبتنی بر نگاه کوتاه بینانه به فرآیندهای رقابتی است در حالی که به دشواری می توان این تهدید را تأیید کرد. به ظاهر، این رقابت خیلی از دستاوردهای اجتماعی این

بازار - که به گونه نظام مبادله چهره می نماید - چنان که مدتها پیش از سوی فردریش انگلس F.Engels بعنوان نظام افسار گسیخته و پرهرج و مرج شناخته شده، ممکن است درست بوده و مصداق داشته باشد، زیرا این موضوع در حقیقت عبارت است از نظامی که پیچیدگی پدیده‌ها و رویدادها در آن از راه تعامل بسیاری از افراد پدید می آید. این تعاملات از راه مبادلات غیرمستقیم با هزینه‌های مبادله‌ای که بر پایه حقوق مالکیت خصوصی شان ایجاد شده شکل می گیرد و از دیدگاه نظریه سیستمی، این نظام پدیده‌ها از دو بخش فرآیندی تشکیل می شود: ۱- از راه هم آینگی (با خودهماهنگی) افراد و از راه عملیات مبادله ۲- از راه گونه‌ای خودنظارتی انجام شده از راه مبادلات رقابتی. افزون بر این، زیر فشار رقابت، افراد ممکن است نوآوریها و ابتکاراتی از خود نشان دهند. هر دو مورد، یعنی نوآوریهای پیش‌بینی ناشدنی و تعاملات میان افراد، بدین معناست که سیستم مبادله بطور کامل به گونه زنجیره علت و معلولی نمی تواند ساخت گیرد (ر.ک. اشترایت ۲۰۰۱) و این، در جای خود به این نتیجه می انجامد که رابطه علت و معلولی ساده از دید ناظر علاقمند با تلاش او برای توضیح مسأله الزاماً با شکست روبه‌رو شود و او نتواند پدیده هرج و مرج را بلور کند و آنرا با بدگمانی بنگرد.

### بند ۴: موضوع تحقیر آمیز: لسه‌فر

بخشی از مناقشه مبتنی بر تأملات جهت گرفته بر آزادی مبادله است که تنها گونه‌ای ادعا است؛ بدین معنا که لیبرالیسم گونه‌ای خودداری در سیاست اقتصادی دولت را سفارش می کند که به صورت لسه‌فر، لسه‌پاسه (آزادی مبادله و عمل) مطرح می شود در حالی که برعکس، تفاهم درباره عمل مبادلاتی در سنت لیبرالیسم بر سر هم مثبت شمرده می شود و چنان که می دانیم لسه‌فر شعار آزادگرایی اقتصادی کلاسیک است و حال اینکه در ورای دلیل لسه‌فر بیشتر دفاع برای پنهان کردن دخالت‌های دولتی در پدیده‌های آشفته اقتصاد بازار - چنان که اشاره شد - فهمیده می شود. یکی از برجسته‌ترین نو لیبرالها یعنی میلتون فریدمن در مخالفت با این ادعای بی ارزش سخن می گوید<sup>۱</sup> و آنرا رد می کند. برداشت او از وظیفه دولت چنین است (فریدمن ۱۹۶۳): دولت که حق نگهداری و پاسداری از حقوق و

اصل مالکیت خصوصی و حق بستن قراردادها پیوند دارد و از تبعات آن است. با همکاری و تأثیر متقابل افراد، اعمال این حق در نظام اقتصاد بازار بعنوان نظام مبادله برقرار می شود و انجام می گیرد. (هایک ۱۹۶۷) این کار به گونه خودجوش و بی برنامه در نظر گرفته می شود<sup>۵</sup> و شامل نتایج رفتارهای انسانی است نه نتایج طرحهای انسانی.<sup>۶</sup> نظام مبادله نیز نظامی است که به هیچ‌رو قصد برنامهریزی یا سازمان دادن ندارد بلکه بر حسب ضرورت نظریه سیستمی بر «خود سازمان دهی» افراد استوار است و از این لحاظ تصورات نظامی را تکامل می دهد که مخالف جریانی است که در آن پیوسته به یک سازمان ده و برنامهریز نیاز داشته باشد. لیبرالیسم به منزله جنبشی سیاسی در مخالفت با حکومت خودکامه مطلق در سده ۱۷ شکل گرفت و بر پایه آن حاکمیت و سلطه حکومت برای حفظ شهروندان باید زیر چتر قانون قرار گیرد. در انگلستان حاکمیت قانون (rule of law) پابرجا شد و راه را بر دولت حقوقی و قانونی گشود، آنهم در مخالفت با خودکامگی و اندیشه‌های اقتصادی کاربردی آن یعنی مرکانتیلیسم<sup>۷</sup> بعنوان اصول اساسی سیاست نظام اقتصادی مبتنی بر بازار و آزادی تجارت، توسعه و تکامل یافت. اما قدرت مطلق و خودکامانه دولت و مداخلات بی حد و مرز آن در نیمه نخست سده بیستم (در سایه نازیسم و فاشیسم و کمونیسم) سبب شد که لیبرالیسم کلاسیک بار دیگر مورد توجه و تأکید قرار گیرد و اندیشه‌های اقتصادی مکتب فرایبورگ (ر.ک. اشترایت ۱۹۵۵) شکل گرفت و والتر اویکن و فرانتز بوم، پیش و پس از جنگ جهانی دوم این مکتب را برپا کردند و از آنجا بود که واژه نئولیبرال به گونه توهین آمیز در مباحث کنونی و پیشنهادها در زمینه اصلاح سیاستهای اقتصادی به کار رفت.

از آنجا که کسانی که آنرا به کار می بردند و می برند شناخت بنیادی و فکری درستی از آن نداشتند و ندارند، کوشیدند و می کوشند اقتصاد بازار را سخت بی اعتبار کنند. (اشترایت ۲۰۰۵)

### بند ۳: نظام مبادله در ک نشده

مناقشه در این زمینه، بویژه نزد طرفداران سوسیالیسم، بر مسأله شناخت استوار است. پدیده‌های

شرایط وجود و استقرار رقابت کامل حاصل می‌شود. (ر.ك. اشترایت ۲۰۰۴) متناسب با این نیروانا (Nirwana) تاجی در هندویسم) به گفته دمتز Demetz (۱۹۶۹) ضرورت دارد که با واقعیت اقتصادی همیشه به گونه‌ای امری ناقص و نیازمند اصلاح مداوم برخورد شود. گذشته از آن، دولتی که به دخالت در اقتصاد فراخوانده می‌شود، بعنوان دولتی با حسن نیت و آگاه به امور در نظر گرفته می‌شود به گونه‌ای که این دولت در تعامل آشکار با رفتار دولتی سیاسی و اقتصادی توجیه‌پذیر و توضیح‌پذیر است. از اینجا امتیاز مسکوت پیش گفته به سود دخالت دولت در اقتصاد توجیه می‌شود و از دید سیاسی و اقتصادی هم پرسش برانگیز است.

### بند ۶- تهدید گمراه کننده: جهانی سازی

از راه ضرورت‌های اصلاحی در دستاوردهای دولت، در بسیاری موارد شیخ پدیده‌ی سایه می‌افکند که علت و انگیزه برخی اصلاحات در نظر گرفته می‌شود. با ژرف‌نگری در این پدیده روشن می‌شود که از دید سیاسی، يك خیال باطل است که خود ممکن است سبب بسیاری اشتباهات شود و این موضوع به هیچ چیز جز يك دیدگاه متنوع سرشار از اشتباه فرآیند رقابتی مربوط نمی‌شود. توضیح آنکه این اشتباه در سایه تقسیم کار جهانی و توزیع مکان‌یابی جهانی تولیدات صورت می‌گیرد. با نگرش اقتصادی به این رابطه چنین تأکید می‌شود که برای مثال سرمایه‌گذاران از آلمان فرار می‌کنند یا اینکه سطح دستمزد از راه جویندگان کار خارجی (به گونه‌ای تقاضا در بازار واقعی کار) آنهم با دستمزد کمتر یا مزدهای دمپینگی زیر فشار قرار می‌گیرد و بدین سان تلاشهای دهها ساله اتحادیه‌های کاری بی‌اثر و حقوق مسلم کارگران نادیده گرفته می‌شود و حتی باید منتظر بود تا این درخواست مطرح شود که رقابت مخرب و مگاران در بازارهای کار، با وجود همه شناخته‌های مثبت از تحرک بازار کار، باید از آن دور بماند.<sup>۹</sup>

با وجود این همه شکوه و ناله که تنها در مورد بخشی از فرآیند جهانی شدن دیده می‌شود یا مورد سوء تفسیر و تعبیر قرار می‌گیرد که در جهت گیری آنها نهفته است، رقابت شبکه‌ای یا سیستمی<sup>۱۱</sup> یا رقابت نهادینه شده (ر.ك. اشترایت / کیوست ۱۹۹۹) به گونه‌ای پدیده‌ای بروز

نظم عمومی را به عهده گرفته است، حقوق مالکیت را هم تعریف می‌کند و به آن همچون ابزاری می‌نگرد که با آن می‌توانیم حقوق مالکیت و قوانین دیگر را در عرصه سیاست‌های اقتصادی تغییر دهیم، درباره مناقشه‌ها و اختلاف نظرهای پیرامون تفسیر قوانین تصمیم‌گیری کنیم، اجرای تعهدات ناشی از قراردادها را به پیش بریم، رقابت را در پناه حمایت و خدمت دولت تقویت و قانون اساسی برای جریان سیستم بولی رایج را وضع کنیم، فعالیت‌های اقتصادی را شکوفا سازیم و گسترش دهیم تا بتوانیم بر انحصارات فنی در جهت عکس اثر گذاریم و بر اینگونه پیامدها چیره شویم که همچنان اموری کافی در نظر گرفته شوند و از جمله حدود دخالت دولت را روشن سازیم و حتی امور خیریه خصوصی مانند کوششهای خانوادگی درباره افراد نابالغ خانواده یا عقب ماندگان ذهنی یا کودکانی که مورد حفاظت و مراقبت قرار می‌گیرند تکمیل یا بستر سازی کنیم. بدین سان دولت آشکارا کارکردهای مهمی دارد و بی تفاوت نیست. الکساندر روستو، یکی دیگر از چهره‌های برجسته نئولیبرالیسم آلمان پیشنهاد می‌کرد که سیستمی حقوقی برای استقرار و تثبیت دخالت‌های دولتی در اقتصاد برقرار شود و يك دولت نیرومند (بی‌اثرپذیری از منافع گروهی) مستقر گردد که با داشتن اقتدار و رهبری مستقل مشخص باشد.<sup>۹</sup>

### بند ۵: امتیاز بیان نشده و پوشیده: برتری دادن به دخالت‌های دولتی

کاربرد تحقیر آمیز لسه‌فر، به امتیاز پوشیده‌ای اشاره دارد: امتیاز دخالت‌های نظم آفرین دولت در پدیده‌های آشفته اقتصاد بازار ضرورت دارد، در حالی که اقتصاد رفاه یکسره در جهت عکس آن به نظر می‌آید. با نظریه شکست بازار، در موارد بسیار چنین استدلال می‌شود که بی‌چون و چرا باید از دولت خواست تخصیص نادرست منابع سیستم اقتصاد بازار را در درجه نخست از راه خدمات واقعی و اصلاحات جبران کند. حتی فریدمن هم در تعریف پیش گفته خود به این نکته اشاره می‌کند. با وجود این، نظریه شکست بازار به استدلال‌های پرسش برانگیزی درباره وظایف دولت می‌انجامد، بدین علت که شکست بازار از مقایسه نادرست واقعیت اقتصاد بازار با کمال مطلوب کارآمدی تعادل در تخصیص منابع و در



می‌کند که مدتها قبل آدام اسمیت هم به آن اشاره کرده بوده و در اوایل سده بیستم نیز نزد ماکس وبر شناخته شده بوده است.<sup>۱۲</sup> از لحاظ محور و نقطه ثقل، اصل موضوع رقابت سیستماتیک مربوط می‌شود به گونه‌ای از رقابت بر سر مکان‌یابی تولید و حدس مرکزی آن که عبارت است از اینکه کیفیت پایگاهها و مکان‌یابی‌های ملی از راه سیستم‌های ملی نهادها یا در معنای ویژه خود از راه قواعد پیش برنده ملی ساخته و پرداخته شود. تفاوت‌های کیفی از سوی مالکان عوامل متحرک بین‌المللی با به کار گرفتن هزینه‌های معاملات، معین می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد تا موقعیت رقابت خودی در بازارهای کالایی تقویت شود. نشانه‌های این فرآیندهای رقابتی عبارت است از مهاجرت یا تقلیل عوامل از مکان‌های ساخت گرفته‌شده نهادی و ملی و نیز عبارت است از تضاد مؤثر سیاسی آن عواملی که این مهاجرت‌ها و جابجایی‌ها را در می‌یابند یا رسانه‌هایی از وجود آنها با خبر می‌شوند؛ زیرا از آنها زیانهای اقتصادی را انتظار دارند. از لحاظ نگرش سیستمی، درهم اثر گذاری یا تعامل خیلی از تصمیم‌گیران در بازار، پیچیدگی فرآیندها را افزایش می‌دهد و در نتیجه پیش‌بینی نتایج آنها بسیار دشوار است. برای اقتصاددان نئو کلاسیک و جهت گرفته بر تعادل، رقابت باعث می‌شود که نتیجه را از همان آغاز و پیشاپیش قطعی تلقی کنند: این گونه رقابت‌های گسترده و گوناگون به ارزانتر کردن متقابل عرضه (دولتی) و به سیستم‌های نهادی مهم از لحاظ مکان‌یابی منجر می‌شود که از آنها با اصطلاح race to bottom (مسابقه تا پایان کار) یاد می‌کنند.

در حالت تعادل، همه عرضه‌کنندگان در پایین‌ترین مکان نهادینه شده و در جهت پایین‌تری یعنی در سطح پایین‌تری رقابت خواهند کرد.<sup>۱۳</sup> همین گونه بدبینی رقابتی از سوی مخالفان جهانی شدن تبلیغ می‌شود و توجه آنان به سوی دستمزدهایی جلب می‌شود که در آنها گرایش به سوی فقیرتر شدن توده مردم، آنان را بیشتر می‌ترساند، اما آنچه در این راستا پنهان می‌ماند این است که ترس آنان بر تقلیل ساده پیچیدگیهای این گونه فرآیندهای رقابتی استوار است.

کنایه‌هایی همراه است، از اصلاحات در سیاست اقتصادی و اجتماعی از بسیاری جهات چنین برداشت می‌شود که گویی مبانی لازم برای اصلاحات به تازگی کشف شده است. در همان حال، در این زمینه موضوع عبارت است از نتایج بعدی در قالب هدیه خطر آفرین به صورت اسب تروا؛ نئولیبرالیسم بعنوان یک سیاست جلب ارباب رجوع<sup>۱۴</sup> بدون مانع شمرده می‌شود.<sup>۱۵</sup> حقیقت این است که از نتایج مصیبت بار رقابت سیاسی- اقتصادی گزینشی دوباره صورت می‌گیرد و انتظار جلب آرای انتخاباتی بیشتری به گونه حفظ امتیازات گروهی مغایر اقتصاد بازار می‌رود که بیشتر با صفت «اجتماعی» اندیشیده و ملاحظه می‌شود. برای نمونه، (در مورد آلمان) می‌توان گفت که آیا قانون حمایت از مادران که در ۱۹۵۲ در آلمان به تصویب رسید و عملی شد، یا تمديد دعاوی مربوط به پول بیمه بیکاری که در ۱۹۵۳ به صورت قانون درآمد، یا اصلاح مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی که در ۱۹۵۷ تصویب شد، یا روی هم ریختن و همفرونی یارانه‌ها که در ۱۹۹۷ پس از گزارش مربوط به یارانه‌ها که به ۶۳/۲ میلیارد مارک رسید (کمابیش ۲ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری) در درجه نخست برای حفظ ساختارهای موجود و در حکم تدابیری مناسب بوده تا یک گروه اجتماعی ویژه شناخته شده یا دارندگان منافع گروهی معین، مزیت پولی ویژه پیدا کنند؟ آیا این تدابیر اجازه می‌دهد تا موضوع تعاملات سیاسی یا موضوع چانه‌زنی‌ها برقرار گردد و در برابر تقویت و مساعدت به تجدید انتخاب نمایندگان طبقه سیاسی خاص قرار گیرد؟

## بند ۷- گذشته تهاجمی و پیش ناخته

در مباحث پیرامون نئولیبرالیسم که بازخم زبانها و

اول اندیشه و انگهی گفتار .

### پانوشتها

۱. از جمله لافونتتن Lafontaine از سران چپ‌گرای حزب سوسیال دموکرات، ضعف اصلاحات را بارها و به گونه‌ای مناقشه‌برانگیز به کار می‌برد و با تعبیراتی چون مکان‌یابی پیامبران و پیامبر گونگان، پس گرفتن مرزها، کاهش خدمات اجتماعی، کم کردن مالیات بر درآمد مدیران و حذف حقوق کارگران، و در جای دیگر با تعبیر فشار بر سیاست عرضه مطرح می‌کند. (لافونتتن ۱۹۹۱)
  ۲. هایک در ۲۰۰۲ یک دید جامع سیستماتیک درباره لیبرالیسم ارائه می‌کند (اوردو، شماره ۵۳)
  ۳. برای تاریخ اندیشه‌های لیبرالیسم ر. ک به هایک ۲۰۰۲ (اوردو، شماره ۵۳)
  ۴. همچنین ر. ک به مورخ انگلیسی، دالبرگ آکتون Dalberg Akton
  ۵. بیان آدم فرگوسن از هایک نقل قول می‌شود. هایک ۱۹۶۷
  ۶. در این مورد ر. ک به تفصیلات اشترايسلر Streissler درباره اسمیت ۲۰۰۵
  ۷. انتقاد ظریف از مركاتيليستها و سياست مداخله‌گرایانه و حمایتی آنان را اسمیت ارائه می‌دهد. ر. ک. اسمیت (۱۷۷۶-۲۰۰۵)
  ۸. در کنار فریدمن، بوکانان و هایک نیز در زمره نولیبرالها هستند (ر. ک به مکبرونویمان ۱۹۸۶)
  ۹. به نقل از هربرت گیرش ۱۹۶۰
  ۱۰. چهره‌های گوناگون پدیده جهانی شدن را مامرت Mummert و زل Sell (۲۰۰۳) ارائه می‌دهند.
  ۱۱. درباره رقابت سیستمی ر. ک به اشترايت و وُل گه‌موت Wohlgemuth (۱۹۶۰)
  ۱۲. برای منابع دیگر در این زمینه ر. ک به اشترايت و فوبل Streit/ Vaubel (۱۹۹۸)
  ۱۳. برای دلیل مناسب در این زمینه ر. ک لافونتتن و مولر ۱۹۹۸
  14. Klientelpolitik
  ۱۵. این موضوع به صورت يك رانت خواری Rent - neeking نامحدود انعکاس دارد. (ر. ک به تولیسون Tollison ۱۹۸۲)
  16. schacherdemokratie
- (منابع انگلیسی و آلمانی مقاله در دفتر ماهنامه موجود است)

ارباب رجوع را باید برای رقابت حفظ کنند یا راههای جبرانی برای تضمین نتایج رقابتی تدارك ببینند. این گونه امتیازات گروهی، به سیستم اقتصاد بازار صدمه می‌زند زیرا به اصل رقابت از لحاظ کارکرد انگیزشی و نظارتی اش آسیب می‌زند. نتایج مورد انتظار از تخصیص منابع در این شرایط، زیانهای وارد بر اشتغال و رشد اقتصادی است که این نتایج به سهم خود بار دیگر ایجاد فقر می‌کند و سبب می‌شود دخالت‌های تازه‌ای زیر عنوان عدالت اجتماعی صورت گیرد. مایه تأسف است که در این زمینه‌ها پیشنهادها اصلاحی که از سوی صاحبان امتیازات گروهی آغاز می‌شود، از طرف نمایندگان طبقه سیاسی با عنوان و صفت (نولیبرال) بی‌اعتبار می‌شود در حالی که همزمان سیاست جلب ارباب رجوع ضد بازار، سبب ایجاد امتیازات خاص می‌گردد و مایه گيجی و سردرگمی انتخاب کنندگان به هنگام انتخابات می‌شود. بدین سان هر گونه خطای احتمالی اقتصاد را نمی‌توان به پای نولیبرالیسم گذاشت.

### بند ۸: ملاحظات پایانی و نتیجه گیریها

یکی از پدران معنوی نولیبرالیسم یعنی والتر اویکن در کتاب اصول بنیادی سیاست اقتصادی درباره این موضوع می‌نویسد (اویکن ۱۹۵۲): اصول سیاست اقتصادی که در اینجا از آن یاد می‌شود، گاهی لیبرال یا نولیبرال خوانده می‌شود ولی این گونه نامگذاری بیشتر گرایش ارزش‌داوری دارد و صادق نیست. اویکن بر آن است که این نامگذاری از آنرو گرایش ارزش‌دار است که مخالفان آن بخواهند به سادگی از آن انتقاد کنند؛ در این صورت دیگر صادق نیست زیرا مفهوم این شعار یعنی این نامگذاری سیاست لسه‌فر در سده ۱۹ را تداعی می‌کند که خود شاخه‌ای از درخت تنومند فرهنگ اروپایی بود که بر تنه و اصل آزادی رشد کرده بود. سخن اویکن بر سر هم وقتی حالیت و فوریت می‌یابد که می‌افزاید: جریان انتقاد بر آزادگرایی را بر سر هم انتقاد بر نظام رقابتی هموار می‌کند و آماده‌سازی اندیشمندان آن این است که الزاماً خود نباید در این باره اندیشه کند و به تأمل بپردازد؛ به ضرب‌المثل فارسی: